

کتاب دانیال — نمبر اکتالیس

خدمت نبوتی پولس: پیوند دادن اسرائیل باستان با اسرائیل روحانی

Jeff Pippenger

2024-01-05

رسول پولس میان اسرائیل باستان و اسرائیل روحانی حلقہ پیوند بود، زیرا خدمت او، نام او، اوضاع شخصی اش و کار نبوی اش، ہمگی بر این حقیقت شہادت می دهند. او خود را کمترین رسولان می دانست، زیرا قوم خدا را آزار رسانیده بود.

زیرا من کمترین رسولانم، و شایسته نیستم که رسول خوانده شوم، چون بر کلیسای خدا جفا می رساندم. اول قرن تیان ۱۵:۱۹.

نامی که هنگام ایمان آوردن به او داده شد، پولس بود، که به معنای کوچک یا اندک است، زیرا او از همه رسولان کوچک تر بود. با این حال، نام نخستین او شائول بود، که به معنای «برگزیده» است.

پس حنانيا در پاسخ گفت: خداوند، از بسیاری درباره این مرد شنیده ام که چه بسیار بدی ها به مقدسان تو در اورشلیم کرده است؛ و در اینجا نیز از سر کاهنان اعظم اختیار دارد تا همه کسانی را که نام تو را می خوانند، در بند کشد. اما خداوند بدو گفت: برو، زیرا او برای من ظرفی برگزیده است تا نام مرا پیش امت ها و پادشاهان و بنی اسرائیل حمل کند، اعمال ۱۳: ۹-۱۵.

شائول «ظرفی برگزیده» بود تا انجیل را نزد امت ها ببرد، اما نخست می بایست دگرگون شود و تا مقام پولس (کوچک) فروتن گردد، زیرا قرار بود نیرومند باشد. پولس دریافت که قوت او در کوچکی او، یا در ضعف او، یافت می شود.

اور مبدا به سبب فزونی مکاشفات بیش از اندازه سرافراز گردم، خاری در جسم به من داده شد، فرستاده ای از شیطان تا مرا سیلی زند، مبدا بیش از اندازه سرافراز گردم. درباره این امر سه بار از خداوند التماس کردم تا از من دور شود. و او مرا گفت: «فیض من تو را کافی است، زیرا قوت من در ضعف کامل می گردد.» پس با کمال شادی بیشتر به ضعف های خود فخر خواهم کرد، تا قدرت مسیح بر من قرار گیرد. از این رو در ضعف ها، در اهانت ها، در احتیاج ها، در آزارها، و در تنگناها به خاطر مسیح خشنودم؛ زیرا هنگامی که ضعیفم، آنگاه نیرومندم. دوم قرن تیان ۱۲: ۷-۱۰.

شائول «برگزیده شد»، اما برای آن که نیرومند باشد، کوچک گردانیده شد (پولس). او برگزیده شد تا انجیل را به سوی امت ها ببرد، اما تا اندازه ای به سبب معرفتش از عهد عتیق انتخاب شده بود.

به ویژه از آن رو که می دانم تو در همه رسوم و مسائل مربوط به یهودیان بصیرت داری؛ بنابراین، از تو تمنا دارم که مرا با شکیبایی بشنوی. طرز زندگانی من از جوانی، که از آغاز در میان قوم خودم در اورشلیم بوده است، بر همه یهودیان معلوم است؛ آنان که مرا از ابتدا می شناختند، اگر بخواهند شہادت دهند، که من بر وفق سخت گیرانه ترین فرقه دین خود، چون فریسی زیستم. اعمال ۲۶: ۵.

شائول گملیئیل کے زیر تربیت رہا تھا، جسے عہد عتیق کے صحائف کے عظیم ترین اساتذہ میں سے ایک شمار کیا جاتا تھا۔

«درخواست پذیرفته شد، و «پولس بر پلہا ایستاد و با دست به سوی مردم اشاره کرد.» آن حرکت توجه ایشان را جلب کرد، و در همان حال، ہیئت و وقار او احترام برمی انگیزت. «و چون سکوتی عظیم برقرار شد، به زبان عبرانی ایشان را خطاب کرده، گفت: ای مردان، برادران و پدران،

دفاع مرا که اکنون نزد شما می‌آورم، بشنوید.» با شنیدن آوای آن واژگان آشنای عبرانی، «بیش از پیش خاموش ماندند»، و او در آن سکوت همگانی چنین ادامه داد: «من در حقیقت مردی یهودی‌ام، در طرسوس قلیلیقه زاده شدم، اما در این شهر نزد پای‌های غمالائیل پرورش یافتم، و مطابق طریقه کامل شریعت پدران تعلیم دیدم، و نسبت به خدا غیور بودم، چنان‌که امروز همه شما هستید.» هیچ‌کس نمی‌توانست اظهارات رسول را انکار کند، زیرا حقایقی که او بدان‌ها اشاره می‌کرد، برای بسیاری از کسانی که هنوز در اورشلیم زنده بودند، به‌خوبی شناخته شده بود.» اعمال رسولان، 408.

شأول به‌طور تصادفی برگزیده نشده بود، و یکی از مقاصد مشخص خدمت پولس این بود که تاریخ مقدس اسرائیل تحت‌اللفظی را با تاریخ مقدس اسرائیل روحانی پیوند دهد. در ارتباط با این واقعیت، او بخش اعظم عهد جدید را به نگارش درآورد. یکی از فصل‌های نوشته‌های او پشتوانه چارچوب پیام فرشته اول و نیز چارچوب پیام فرشتگان سوم را مشخص می‌سازد. این بخش، یادمانی در تاریخ ادونتیسیم است که تمایز میان دانایان و جاهلان را در آغاز و پایان ادونتیسیم نشان می‌دهد.

वषिय के जाने कएि एकत्तर हमारे पास उसके और आगमन के मसीह यीशु प्रभु हमारे, भाइयो हे, तुमसे हम अब न, द्वारा के आत्मा किसी न—घबराओ न और, जाओ हो न चंचल शीघ्र में मन तुम कहैं करते वनिती में आ दनि का मसीह क—हो से ओर हमारी मानो जो द्वारा के पत्नी ऐसी किसी न और, द्वारा के वचन किसी न धर्मत्याग पहले तक जब आएगा न तक तब दनि वह क्योकि; दे न धोखा तुम्हें कोई प्रकार किसी है। पहुँचा करता वरिध का वस्तु उस एक हर जो; हो न प्रगट, पुत्र का वनिश अर्थात्, पुरुष का पाप वह और, जाए हो वह कतिक यहाँ; है जाती पूजी या है कहलाती परमेश्वर जो है बढ़ाता ऊपर उसके को आप अपने और स्मरण तुम्हें क्या है। ठहराता परमेश्वर को आप अपने और है बैठा बनकर परमेश्वर में मन्दिर के परमेश्वर कहो जानते तुम अब और? था करता कहा तुमसे बातें ये मैं तब, था साथ तुम्हारे अभी मैं जब कनिहीं भी अब तो भेद का अधर्म क्योकिहो। प्रगट में समय ही अपने वह जसिसे, है रही रोक उसे वस्तु सी-कौन जाए। दया न हटा से मार्ग वह तक जब रहेगा रोके तक तब वह, है रोकता अब जो परन्तु; है रहा कर कार्य से प्रभा की आगमन अपने और करेगा नाश से श्वास की मुँह अपने प्रभु जसैं, होगा प्रगट दुष्ट वह तब और अद्भुत झूठे और चनिहों, सामर्थ्य की प्रकार सब अनुसार के कार्य के शैतान आना उसका डालेगा। मटि उन्होंने क्योकि; है होता साथ के छल के प्रकार सब के अधर्म लयि के होनेवाली नाश और, साथ के कामों भ्रम प्रबल पर उन परमेश्वर कारण इसी होता। उद्धार उनका जसिसे, कया नहीं ग्रहण को प्रेम के सत्य, की न प्रतीत की सत्य जनिहोंने हों भागी के दण्ड सब वे जसिसे; करे प्रतीत की झूठ वे ताकि, भेजेगा । 2:1-12थसिसलुनीकियों 2 रहे। प्रसन्न से अधर्म परन्तु

سياق این عبارت، بررسی این موضوع است که مسیح بار دوم چه زمانی بازخواهد گشت. پولس به تسالونیکیان یادآوری می‌کند که او پیش‌تر نیز به این نگرانی پاسخ داده بود، آنگاه که گفت: «آیا به یاد نمی‌آورید که چون هنوز نزد شما بودم، این چیزها را به شما می‌گفتم؟» پولس می‌کوشید برادران را از فریب خوردن درباره موضوع «آمدن خداوند ما عیسی مسیح، و جمع شدن ما نزد او» بازدارد.

مورخان تصدیق می‌کنند که نیمی از پیام ویلیام میلر بر مبنای تشخیص او از دو هزار و سیصد سال مذکور در دانیال، باب هشتم، آیه چهاردهم، استوار بود. نیمه دیگر پیام او، که گاه بدان توجه نمی‌شود، کوشش او در رد تعلیم باطل درباره بازگشت ثانوی مسیح بود.

بر مبنای روش‌شناسی کاذب یسوعی، تعلیمی باطل و برجسته وجود داشت (و هنوز نیز وجود دارد) که ویلیام میلر پیوسته با آن مخالفت می‌ورزید. آن تعلیم باطل این بود که آمدن دوم خداوند، مسبوق به هزار سال صلحی است که «هزاره زمانی» نامیده می‌شود و خواهر وایت نیز با آن مخالفت کرد.

کار میلر همچنین حقیقت بازگشت واقعی مسیح را، در تقابل با گوناگون اندیشه‌های کاذب درباره هزاره که در دوران او رواج داشت، استوار می‌ساخت. پولس در دوم تسالونیکیان درباره آمدن دوباره

سخن می‌گوید؛ از این‌رو، آن بخش از درکِ میلر از آمدن دوبارهٔ واقعی مسیح به‌شمار می‌رفت. این فصل برای میلر «حقیقتِ حاضر» بود.

پولس توالی مهمی از رویدادهای مربوط به آمدن دوم را معین می‌سازد، و نیز منطق این را بیان می‌کند که چرا تسالونیکیان نباید انتظار داشته باشند که بازگشتِ خداوند در دوران زندگی ایشان واقع شود. پولس می‌گوید: «اکنون ای برادران، دربارهٔ آمدنِ خداوند ما عیسی مسیح و گرد آمدنِ ما نزد او، از شما استدعا داریم.» واژه «استدعا» به معنای بازخواست کردن است. پولس عناصر مرتبط با آمدن دوم را به شیوه‌ای استدلالی بررسی می‌کند و مخاطبان خود را از خلال نوعی بازخواست پیش می‌برد؛ بازخواستی که مقصود از آن این است که شنوندگانش منطق او را تحلیل کنند.

نظام منطقه این است که پیش از آن که مسیح بار دوم بازگردد، پاپیت باید شناخته شود و به سلطنت برسد، و پیش از آن که پاپیت در تاریخ پدید آید، نخست باید ارتدادی واقع شود. آن ارتداد هنوز در آینده بود، پس ظهور پاپیت از آن نیز فراتر قرار داشت. بنابراین، چگونه ممکن بود کسی فریب خورده، گمان کند که بازگشت مسیح نزدیک است؟ او برای آن که دقیقاً معین سازد آن قدرتی که پس از ارتداد آشکار می‌شود چیست، از چندین نماد برای پاپیت استفاده می‌کند. او پاپیت را «مرد گناه»، آن «شریر»، «پسر هلاکت» و «سر بی‌دینی» می‌نامد. خواهر وایت به‌روشنی بیان می‌کند که همه این‌ها نمادهایی هستند که پاپیت را مشخص می‌سازند.

«اما پیش از آمدن مسیح، تحولات مهمی در جهان دینی، که در نبوت پیشگویی شده بود، می‌بایست رخ دهد. رسول اعلام کرد: "به‌زودی در ذهن خود متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه به‌وسیلهٔ روح، نه به‌وسیلهٔ سخن، و نه به‌وسیلهٔ نامه‌ای که گویی از جانب ما باشد، چنان که روز مسیح فرا رسیده است. هیچ‌کس به هیچ‌وجه شما را فریب ندهد؛ زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر آنکه نخست ارتداد واقع شود و آن مرد گناه، آن پسر هلاکت، ظاهر گردد؛ همان که مخالفت می‌ورزد و خویشان را برتر از هر آنچه خدا خوانده می‌شود یا پرستیده می‌شود، برمی‌افرازد، به‌طوری که او چون خدا در معبد خدا می‌نشیند و خود را چنین می‌نمایاند که خداست."»

«سخنان پولس نباید بد تعبیر می‌شد. نباید تعلیم داده می‌شد که او، به‌واسطهٔ مکاشفه‌ای خاص، به تسالونیکیان دربارهٔ آمدن فوری مسیح هشدار داده است. چنین موضعی موجب آشفتگی در ایمان می‌گردید؛ زیرا ناامیدی غالباً به بی‌ایمانی می‌انجامد. از این‌رو رسول برادران را هشدار داد که هیچ پیام از این‌گونه را چنان که از جانب او باشد نپذیرند، و سپس بر این حقیقت تأکید ورزید که قدرت پاپی، که نبی دانیال آن را با چنان روشنی توصیف کرده بود، هنوز می‌بایست برخیزد و بر ضد قوم خدا جنگ کند. تا هنگامی که این قدرت کار مرگبار و کفرآمیز خود را به انجام نرسانده باشد، برای کلیسا عبث می‌بود که در انتظار آمدن خداوند خویش باشد. پولس پرسید: «آیا به یاد ندارید که وقتی هنوز با شما بودم، این امور را به شما می‌گفتم؟»

«هراس‌انگیز بود آزمونی‌هایی که قرار بود کلیسای راستین را فرو گیرد. حتی در همان زمانی که رسول می‌نوشت، «سر بی‌دینی» از پیش آغاز به کار کرده بود. تحولاتی که قرار بود در آینده رخ دهد، می‌بایست «بر حسب عمل شیطان، با همه قوت و آیات و عجایب دروغین، و با هر فریب ناراستی در آنان که هلاک می‌شوند» باشد.»

«به‌ویژه جدی و هراس‌انگیز است سخن رسول دربارهٔ کسانی که از پذیرفتن «محبّت حقیقت» سر باز می‌زنند. او دربارهٔ همه کسانی که عمداً پیام‌های حقیقت را رد می‌کنند، اعلام داشت: «و از این سبب، خدا ایشان را به عمل ضلالت خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند؛ تا همه آنان که حقیقت را باور نکردند، بلکه از ناراستی خوشنود شدند، محکوم گردند.» انسان‌ها نمی‌توانند بی‌کیفر هشدارهایی را که خدا از سر رحمت برای ایشان می‌فرستد، رد کنند. خدا روح خود را از کسانی که در روی گردانی از این هشدارها پافشاری می‌ورزند، باز می‌گیرد و آنان را به فریب‌هایی که دوست

می‌دارند، و می‌گذارد.» اعمال رسولان، ۲۶۵، ۲۶۶.

اگرچه خواهر وایت به‌طور مستقیم «مرد گناه»، آن «شریر»، «پسر هلاکت» و «سرّ بی‌دینی» را از نوشته پولس مشخص می‌سازد و آن را «قدرت پاپی» می‌نامد، اما او بیش از این نیز می‌گوید. او مشخص می‌سازد که این نمادهایی که پولس برای شناسایی پاپ روم به‌کار برد، از کتاب دانیال اخذ شده بود، آن‌گاه که اظهار داشت: «پس رسول، برادران را هشدار داد که هیچ‌گونه پیامی را به‌عنوان صادرشده از جانب او نپذیرند، و سپس بر این حقیقت تأکید کرد که قدرت پاپی، که نبی دانیال آن را به‌روشنی توصیف کرده بود، هنوز می‌بایست برخیزد و بر ضد قوم خدا جنگ نماید. تا زمانی که این قدرت کار مرگبار و کفرآمیز خود را به انجام نرسانیده باشد، چشم دوختن کلیسا به آمدن خداوندشان بیهوده خواهد بود.» پولس آن بخش از پیام خود به تسالونیکیان را که پاپیت را شناسایی می‌کرد، بر دانیال فصل یازدهم، و آیه سی‌وشش، مبتنی ساخته بود.

اور بادشاه اپنی مرضی کے مطابق عمل کرے گا؛ اور وہ اپنے آپ کو سرفراز کرے گا، اور اپنے آپ کو بر معبود سے بڑھا کر بڑا ٹھهرائے گا، اور خداؤں کے خدا کے خلاف عجیب باتیں کہے گا، اور اس وقت تک کامیاب رہے گا جب تک غضب پورا نہ ہو جائے، کیونکہ جو کچھ مقرر کیا گیا ہے وہی انجام پائے گا۔ دانی ایل 11:36.

پولس هنگامی که پاپ را چنین معرفی می‌کند که «با هر آنچه خدا خوانده می‌شود یا مورد پرستش است، مخالفت می‌ورزد و خود را برتر از آن می‌افرازد؛ به‌گونه‌ای که او چون خدا در هیكل خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند»، در واقع توصیف دانیال نبی از آن «پادشاه» را بازگو می‌کرد که «بر وفق اراده خود» عمل می‌نمود و «خود را» برمی‌افراشت و «خود را برتر از هر خدا» بزرگ می‌ساخت. پاپ همان پادشاهی است که «سخنان شگفت‌انگیز بر ضد خدای خدایان» می‌گوید، و پاپ همان قدرتی است که «تا زمانی که» نخستین «غضب» در سال 1798 «به انجام رسد»، «کامیاب خواهد شد».

دانیال باب یازدهم، آیه سی‌وشش، برای آن‌که افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ به‌درستی فهمیده شود، absolutely essential است که به‌درستی فهمیده شود. از این‌رو، تعلیم کاذبی که می‌گفت پادشاه مذکور در آن آیه فرانسه است—چنان‌که اوریا اسمیت مطرح کرد—در نسل نخست آدونتیسم (۱۸۶۳ تا ۱۸۸۸) وارد شد. اسمیت متن آیه سی‌وشش را از «آن» پادشاه (که همان پاپیت است که در آیات پیشین توصیف می‌شد) به «یک» پادشاه (هر پادشاهی) تغییر داد تا ویژگی‌های سبک عبادت روم را به فرانسه بی‌خدا نسبت دهد؛ اما این صرفاً نقطه آغاز و سکوی پرتابی بود برای پیش نهادن نظریه محبوب خود درباره این‌که ترکیه در آیه چهل و پس از آن، پادشاه شمال است.

شیطان از همان آغاز کوشید این حقیقت را پنهان سازد که پادشاه مذکور در آن آیه، پاپیت است، و این رسول پولس است که برای این حقیقت، بر شهادت دانیال شاهدی دوم فراهم می‌آورد. خواهر وایت شاهد سوم را فراهم ساخت.

شیطان نه تنها کوشید حقیقت این‌که پادشاه مذکور در آن آیه همان پاپ است را تیره و مبهم سازد، بلکه با منحرف کردن حقیقت مندرج در آن آیه، اهمیت آنچه «غضب» در آن آیه نمایندگی می‌کرد را نیز مبهم ساخت. پاپیت در آن آیه می‌بایست تا سال 1798 کامیاب گردد، زمانی که زخم مهلک خود را دریافت کرد. سال 1798 پایان دو هزار و پانصد و بیست سال غضب خداست که بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل اعمال شد، و آغاز آن به سال 723 پیش از میلاد بازمی‌گردد.

اگر آدونتیسم در سال ۱۸۶۳ از «هفت زمان» دفاع کرده و آن را استوار نگاه داشته بود، برای اوریاه اسمیت عملاً محال می‌بود که درباره آیه سی‌وشش چنین حماقتی را پیش ببرد؛ زیرا «خشم» به‌عنوان

نمود نخستین خشم خدا در «هفت زمان» فهمیده می‌شد و بدین‌سان هیچ‌گونه ارتباطی با فرانسه نمی‌داشت. افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ در آن بخش به‌وسیله پولس تأیید می‌شود، و از همین‌رو، هشدار پولس در آن بخش درباره کسانی که محبت حقیقت را نمی‌پذیرند، بلکه دچار گمراهی شدید می‌شوند، از رهگذر رد حقایقی است که پولس در آن بخش عرضه می‌دارد. یکی از آن حقایق، تشخیص درست پادشاه شمال در دانیال باب یازدهم، آیات چهل تا چهل‌وینح است.

در این فراز، پس از آن که پولس پاپ روم را شناسایی می‌کند، توالی‌ای از رویدادها را در پایان جهان، منتهی به آمدن دوم مسیح، که موضوع این فراز است، مشخص می‌سازد. او می‌گوید: «آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد.» آن «شریر» همان پاپ است، «که خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به ظهور آمدن خویش نابود خواهد ساخت.» سپس پولس می‌گوید: «همان که آمدنش بر وفق عمل شیطان، با همه قدرت و آیات و عجایب دروغین است.» عیسی همان کسی است «که آمدنش بر وفق عمل شیطان است.»

کار معجزه‌آسای شیطان دوره‌ای از زمان است که از قانون یکشنبه‌ای به‌زودی آمدنی آغاز می‌شود و تا هنگامی که میکائیل برخیزد و مهلت آزمایش بشر به پایان رسد ادامه می‌یابد. شیطان در خلال هفت بلای آخر، که از پایان مهلت آزمایش تا بازگشت مسیح فرو ریخته می‌شوند، هیچ معجزه‌ای به‌عمل نمی‌آورد.

ਚੰਗਿਆਈਆਂ ਰਾਹੀਂ ਜਨਿਹਾ ਲੋਕ ਉਹ ਜੇ”। ਜਾਣੇਗੇ ਨਾਲ ਫਲਾਂ ਦੇ ਉਹਨਾਂ ਨੂੰ ਉਹਨਾਂ ਤੁਸੀਂ, “ਹੈ ਆਖਦਾ ਮਸੀਹ» ਜਾਇਜ਼ ਨੂੰ ਉਪੇਖਾ ਆਪਣੀ ਦੀ ਵਵਿਸਥਾ ਦੀ ਪਰਮੇਸੁਰ ਕਾਰਨ ਦੇ ਪ੍ਰਗਟਾਵਾਂ ਇਨ੍ਹਾਂ, ਹਨ ਜਾਂਦੀਆਂ ਕੀਤੀਆਂ ਹੋਂਦ ਵੀ ਕਸਿ ਕੋਲ ਉਹਨਾਂ ਭਾਵੇਂ, ਹਨ ਰਹੀਦੇ ਬਣੇ ਵੱਚਿ ਅਣਆਗਿਆਕਾਰਤਾ ਅਤੇ ਹਨ ਝੁਕਦੇ ਵੱਲ ਠਹਿਰਾਉਣ ਦੇ ਇਸ। ਹੈ ਸ਼ਕਤੀ ਮਹਾਨ ਦੀ ਪਰਮੇਸੁਰ ਕੋਲ ਉਹਨਾਂ ਕੀ ਨਕਿਲਦਾ ਨਹੀਂ ਇਹ ਤੋਂ ਇਸ ਤਾਂ, ਹੋਵੇ ਸ਼ਕਤੀ ਤੱਕ ਹੈ ਉਲੰਘਣਕਰਤਾ ਦਾ ਵਵਿਸਥਾ ਨੈਤਕਿ ਉਹ। ਹੈ ਸ਼ਕਤੀ ਕਾਰੀ-ਅਚਰਜ ਦੀ ਵਾਲੇ ਭਰਮਾਉਣ ਮਹਾਨ ਇਹ, ਉਲਟ ਪ੍ਰਯੋਗ ਦਾ ਉਪਾਅ ਉਸ ਹਰ ਉਹ ਲਈ ਕਰਨ ਅੰਨ੍ਹੀਆਂ ਤੋਂ ਸਰੂਪ ਅਸਲ ਦੇ ਉਸ ਅੱਖਾਂ ਦੀਆਂ ਮਨੁੱਖਾਂ ਅਤੇ ਚੰਨ੍ਹਾਂ ਉਹ ਵੱਚਿ ਦਨਿੰ ਅੰਤਮਿ ਕੀ ਹੈ ਗਈ ਦੰਤੀ ਚੇਤਾਵਨੀ ਸਾਨੂੰ। ਹੈ ਸਕਦਾ ਪਾ ਕਾਬੂ ਉਹ ਉੱਤਿ ਜਸਿ ਹੈ ਕਰਦਾ ਕਰਦਾ ਤੱਕ ਹੋਣ ਸਮਾਪਤ ਦੇ ਕਾਲ-ਪਰਖ ਅਚਰਜ ਇਹ ਉਹ ਅਤੇ। ਕਰੇਗਾ ਕਾਰਜ ਨਾਲ ਅਚਰਜਾਂ ਝੂਠੇ ਅਤੇ ਦੂਤ ਦਾ ਜੋਤ ਪਰ, ਨਹੀਂ ਦਾ ਅੰਧਕਾਰ ਉਹ ਕੀ ਸਕੇ ਕਰ ਪੇਸ਼ ਵਜੋਂ ਸਬੂਤ ਦੇ ਗੱਲ ਇਸ ਨੂੰ ਉਹਨਾਂ ਜੋ ਤਾਂ, ਰਹੇਗਾ

” The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 911. ਹੈ

मसीह कयिह और, होता घटति पहले से होने पूरक के पोपसत्ता जो, था होना पतन एक कहै करता संकेत पौलुस में अमेरिका राज्य संयुक्त कार्य अद्भुत का शैतान होगा।" बाद "के कार्य अद्भुत के शैतान आगमन दूसरा का पर आगमन के वपित्तियों सात अन्तमि तथा समापन के परीक्षाकाल और, है होता आरम्भ से व्यवस्था-रविवार है। होता आरम्भ से व्यवस्था-रविवार में अमेरिका राज्य संयुक्त कार्य अद्भुत का शैतान है। होता समाप्त

«به موجب فرمانی که به زور اجرای نهاد پاپیت را در نقض شریعت خدا برقرار می‌سازد، ملت ما خود را به طور کامل از پارسایی جدا خواهد کرد. هنگامی که پروتستانیسم دست خود را از فراز این شکاف دراز کند تا دست قدرت روم را بفشارد، هنگامی که از فراز این مغاک دست دراز کند تا با روح‌باوری دست دهد، هنگامی که تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را به عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری‌خواه مردود شمارد، و برای گسترش دروغ‌ها و فریب‌های پاپی تمهید فراهم آورد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عملکرد شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» Testimonies, volume 5, 451.

قانون یک‌شنبه پایان پادشاهی ششم است، همان وحش زمین مذکور در باب سیزدهم مکاشفه. وحش زمین در پایان هزار و دویست و شصت سال حاکمیت پاپی، در سال ۱۷۹۸، به سلطنت آغاز کرد. ازاین‌رو، پایتت در سال ۵۳۸ آشکار گردید، هرچند کار او برای به دست گرفتن زمام جهان، هنگامی که

پولس این سخنان را نگاشت، از پیش در جریان بود. پیش از سال ۵۳۸، ارتدادی می‌بایست روی دهد که بر آشکار شدن مرد گناه، که در هیکل خدا می‌نشیند، مقدم می‌بود.

سقوط ارتداد کی نمائندگی برگامس کی کلیسیا نے کی، جب مسیحی کلیسیا نے بت پرستی کے مذہب کے ساتھ مفاہمت کی، جیسا کہ شہنشاہ قسطنطین کی علامت میں ظاہر کیا گیا ہے۔ پولس ان نبوتی سنگ میلوں کی نشان دہی کر رہا تھا جن کا مسیح کی دوسری آمد سے پہلے واقع ہونا ضروری تھا۔ تھسلنیکیوں کو اس تعلیم کی یاد دہانی کرانے کے بعد جو وہ پہلے انہیں دے چکا تھا، پھر وہ پوچھتا ہے کہ کیا انہیں یاد نہیں کہ اس نے پہلے بھی انہیں یہ حقائق سکھائے تھے؟ پھر وہ انہیں یاد دلاتا ہے کہ انہیں یہ بھی یاد رکھنا چاہیے کہ اس نے انہیں سکھایا تھا کہ ایک قوت پاپائیت کو "روکے ہوئے" "تاکہ" پاپائیت "اپنے وقت میں ظاہر کی جائے؟" لفظ "روکے ہوئے" کے معنی ہیں باز رکھنا۔ اسی عبارت میں بعد میں لفظ "روکے ہوئے" کا ترجمہ "اب مانع ہے" کے طور پر کیا گیا ہے۔

لہذا اس عبارت کی درست ترجمانی یوں ہے: "اور اب تم جانتے ہو کہ پاپائیت کو کیا روکے ہوئے، تاکہ پاپائیت اپنے وقت میں ظاہر ہو۔ کیونکہ بدکاری کا بھید (یعنی پاپائیت) تو اب ہی سے عمل میں ہے؛ فقط وہ جو اب پاپائیت کو روکے ہوئے، پاپائیت کو روکتا رہے گا، جب تک کہ وہ راستے سے ہٹا نہ دیا جائے۔" جب ولیم ملرنے تھسلنیکیوں میں اس عبارت کو پہچانا تو اس نے سمجھ لیا کہ وہ قوت جس نے سن 538 میں پاپائیت کو زمین کے تخت پر متمکن ہونے سے روکے رکھا، بت پرست روم تھا، اور یہ کہ بت پرست روم پاپائی قوت کے عروج کو اس وقت تک روکے رکھے گا جب تک کہ بت پرست روم "راستے سے ہٹا" نہ دیا جائے۔

«در طی دوازده سالی که دئیست بودم، هر کتاب تاریخی را که می‌توانستم بیابم می‌خواندم؛ اما اکنون کتاب مقدس را دوست می‌داشتم. این کتاب از عیسی تعلیم می‌داد! با این همه، هنوز بخش قابل‌توجهی از کتاب مقدس برای من تاریک بود. در سال ۱۸۱۸ یا ۱۹، هنگامی که با دوستی که به دیدارش رفته بودم گفتگو می‌کردم، و او مرا در زمانی که دئیست بودم شناخته بود و سخنانم را شنیده بود، با لحنی نسبتاً پرمعنا پرسید: «درباره این آیه و آن آیه چه فکر می‌کنی؟» و به همان آیاتی اشاره داشت که در زمان دئیست بودم بر آنها اعتراض می‌کردم. مقصود او را دریافتم و پاسخ دادم—اگر به من فرصت بدهی، به تو خواهم گفت که معنای آنها چیست. «چه مقدار فرصت می‌خواهی؟» نمی‌دانم، اما به تو خواهم گفت، پاسخ دادم؛ زیرا نمی‌توانستم باور کنم که خدا مکاشفہ‌ای عطا کرده باشد که قابل فهم نباشد. آنگاه مصمم شدم کتاب مقدس را مطالعه کنم، با این باور که می‌توانم دریابم منظور روح القدس چه بوده است. اما همین که این تصمیم را گرفتم، این اندیشه به ذهنم آمد—«فرض کن به بخشی برخورد کنی که نتوانی آن را بفهمی؛ چه خواهی کرد؟» سپس این شیوہ مطالعه کتاب مقدس به ذهنم رسید:—واژگان چنین بخش‌هایی را برخواهم گرفت، و آنها را در سراسر کتاب مقدس دنبال خواهم کرد، و از این راه معنای آنها را خواهم یافت. «همخوانی کردن» را در اختیار داشتم، که به گمانم بهترین آنها در جهان است؛ پس آن را با کتاب مقدس برداشتم و پشت میزم نشستم، و دیگر هیچ چیز نخواندم، جز اندکی روزنامه، زیرا مصمم بودم بدانم کتاب مقدس چه معنایی دارد.»

«من از پیدایش آغاز کردم و به آهستگی پیش رفتم؛ و هنگامی که به متنی می‌رسیدم که نمی‌توانستم آن را درک کنم، در سراسر کتاب مقدس جست‌وجو می‌کردم تا دریابم معنای آن چیست. پس از آنکه بدین‌گونه از سراسر کتاب مقدس گذشتم، آه، حقیقت چه درخشان و جلال‌آمیز بر من ظاهر شد! آنچه را که به شما موعظه کرده‌ام یافتم. قانع شدم که هفت زمان در سال 1843 پایان می‌پذیرد. سپس به 2300 روز رسیدم؛ آنها مرا به همان نتیجه رهنمون شدند؛ اما هرگز در اندیشه آن نبودم که زمان آمدن نجات‌دهنده را دریابم، و نمی‌توانستم آن را باور کنم؛ ولی نور چنان با قوت بر من تابید که نمی‌دانستم چه باید بکنم. آنگاه با خود گفتم، اکنون باید مهمیز و لگام بر خود نهم؛ از کتاب مقدس تندتر نخواهم رفت، و از آن نیز عقب نخواهم ماند. هر چه کتاب مقدس

تعلیم دہد، بدان متمسک خواہم شد۔ اما ہنوز آیاتی بود کہ نمی‌توانستم آنہا را درک کنم۔»

«این نیز از شیوہ کلی او در مطالعہ کتاب مقدس۔ در موقعیتی دیگر، شیوہ خود را در تعیین معنای متن مورد بحث ما—معنای «قربانی دائمی»—بیان کرد۔ او گفت: «بہ خواندن ادامہ دادم و ہیچ مورد دیگری نیافتم کہ این اصطلاح در آن آمدہ باشد، جز در دانیال۔ سپس آن واژگانی را کہ در ارتباط با آن قرار داشتند، یعنی «برداشتہ شود»، در نظر گرفتم۔ او قربانی دائمی را برمی‌دارد، «از زمانی کہ قربانی دائمی برداشتہ شود»، و غیرہ۔ بہ خواندن ادامہ دادم و گمان کردم کہ ہیچ نوری بر این متن نخواہم یافت؛ سرانجام بہ 2 Thessalonians 2:7-8 رسیدم۔ «زیرا سر بی‌دینی ہم‌اکنون عمل می‌کند، فقط آن کہ اکنون مانع است، مانع خواہد بود تا از میان برداشتہ شود، و آنگاہ آن شریر ظاہر خواہد شد»، و غیرہ۔ و چون بہ آن متن رسیدم، آہ، حقیقت چہ روشن و جلال‌انگیز ظاہر شد! اینک آنجاست! آن است «قربانی دائمی»! بسیار خوب، اکنون پولس از «آن کہ اکنون مانع است» یا باز می‌دارد، چہ مراد می‌کند؟ از «مرد گناہ» و «شریر»، پاپیت مراد است۔ بسیار خوب، پس آن چیست کہ مانع آشکار شدن پاپیت می‌شود؟ چرا، آن بت‌پرستی است؛ پس بنابراین، «قربانی دائمی» باید بہ معنای بت‌پرستی باشد۔» William Miller, Apollos Hale, The Second Advent Manual, 65, 66

اگر این درک وجود نمی‌داشت کہ «قربانی دائمی» در کتاب دانیال نمادی از بت‌پرستی است، برای میلر بسیار دشوار می‌بود کہ چارچوبی را کہ بنای ساختار نوی خود را بر آن استوار کرد، پدید آورد۔ «قربانی دائمی» پنج بار در کتاب دانیال آمدہ است، و ہر بار ہموارہ بہ دنبال آن نمادی از پاپ‌گرایی می‌آید۔ شواہدی کہ نشان می‌دہد «قربانی دائمی» در کتاب دانیال همان بت‌پرستی است، در رسالہ پولس بہ تسالونیکیان یافت می‌شود۔ یکی از سخت‌ترین ہشدارہا در کلام خدا در آنجا آمدہ است، زیرا پولس در آنجا بہ روشنی بیان می‌کند کہ آنان کہ محبت حقیقت را نمی‌پذیرند، بہ ضلالت قوی سپردہ خواہند شد۔ حقیقتی کہ عمداً در تسالونیکیان جای دادہ شدہ بود، شناسایی پیوند بت‌پرستی با پاپ‌گرایی بود، و رد کردن آن حقیقت، تضمین می‌کند کہ ضلالت قوی پیامد آن رد خواہد بود۔

ما این موضوع را در مقالہ بعدی ادامہ خواہیم داد۔

ٹھہر جاؤ اور حیران رہو؛ فریاد کرو اور چیخو: وہ متوالے ہیں، مگر مے سے نہیں؛ وہ لڑکھڑاتے ہیں، مگر نشہ آور مشروب سے نہیں۔ کیونکہ خداوند نے تم پر گہری نیند کی روح انڈیل دی ہے، اور تمہاری آنکھیں بند کر دی ہیں؛ نبیوں اور تمہارے حاکموں کو، یعنی غیب بینوں کو، اُس نے ڈھانپ دیا ہے۔ اور سب کی رویا تمہارے لیے اُس مہرشدہ کتاب کے کلام کی مانند ہو گئی ہے جیسے لوگ کسی عالم کو دے کر کہتے ہیں، مہربانی کر کے اسے پڑھ؛ اور وہ کہتا ہے، میں نہیں پڑھ سکتا، کیونکہ یہ مہرشدہ ہے۔ پھر وہی کتاب ایک ناخواندہ کو دے کر کہتے ہیں، مہربانی کر کے اسے پڑھ؛ اور وہ کہتا ہے، میں پڑھا لکھا نہیں ہوں۔ پس خداوند نے فرمایا، چونکہ یہ لوگ اپنے منہ سے میرے نزدیک آتے ہیں اور اپنے لبوں سے میری تعظیم کرتے ہیں، لیکن اپنا دل مجھ سے دور رکھتے ہیں، اور ان کا مجھ سے خوف انسانوں کی سکھائی ہوئی تعلیم پر مبنی ہے؛ اس لیے دیکھو، میں اس قوم کے درمیان ایک عجیب کام، بلکہ ایک نہایت عجیب کام اور حیرت انگیز نشان ظاہر کروں گا؛ کیونکہ ان کے حکیموں کی حکمت نابود ہو جائے گی، اور ان کے فہیموں کی فہم پوشیدہ کر دی جائے گی۔ افسوس اُن پر جو خداوند سے اپنی مشورت کو گہرائی میں چھپانے کی کوشش کرتے ہیں، اور جن کے کام تاریکی میں ہوتے ہیں، اور وہ کہتے ہیں، کون ہمیں دیکھتا ہے؟ اور کون ہمیں جانتا ہے؟ یقیناً تمہارا سب کچھ الٹ پلٹ کر دینا کمہار کی مٹی کے مانند ٹھہرے گا؛ کیونکہ کیا کوئی کاریگری اپنے بنانے والے کے بارے میں کہہ سکتی ہے، اُس نے مجھ نہیں بنایا؟ یا کوئی بنائی ہوئی چیز اپنے صانع کے بارے میں کہہ سکتی ہے، اُسے کچھ سمجھ نہ تھی؟ یسعیاہ 29:16۔